

متن پرسش

با سلام ... چرا شما سعی می‌کنید خودتان را برای بقیه الگو قرار دهید؟ چه کسی به شما مشروعیت داده که برای مردم سخنرانی کنید و فهم خودتان را ملاک دین قرار دهید؟ اگر روزی متوجه بشوید که تمام کتاب‌هایی که چاپ کردید، بالکل مقابل دین واقعی می‌ایستد شما چه کار می‌کنید؟ شما با طرح مباحثی که در کتاب‌هایتان می‌کنید جز این که ما را با حجابِ مفاهیم روبه‌رو کنید کار دیگری نمی‌کنید!!!! اصلاً آیا بر شما واجب شرعی بوده است که در نشر آثارتان فعالیت کنید؟ امثال شما عزیزان که در رأس امور فرهنگی کشور فعالیت می‌کنید ظاهراً چشم بر مشکلات عدیده‌ی مردم پوشیده‌اید و دنبال آرزوها یا بگو هوس‌های خود هستید و با یک سری حرف و حدیث‌های در قالب دین خدا، سر خود و مردم را مشغول می‌کنید!! شما استاد محترم بر هیچ‌کس ولایت ندارید که بخواهید نحوه‌ی تربیت افراد را به‌عهده بگیرید، همان‌طور که در زندگی‌نامه‌ی خود گفته‌اید! ولایت مال حضرت ختمی مرتبت(ص) است و بس! خود باشید و خود شوید حاج آقا!! علایق شخصی شما و آنچه شما نامش را فطرت می‌گذارید برای خود شخص شما حجت است، چه ربطی به دیگران دارد؟ الآن شما در کشور دارید صاحب جریانی بین جوانان می‌شوید یعنی در حال تاثیرگذاری هستید، چقدر به آینده‌ی روحی خود مطمئن هستید؟ نمی‌دانم که چرا بنده با امثال شماها مشکل پیدا کردم؟ اشکال کار هم این است که شما نمی‌گذارید رو در رو باهاتون بحث بشه! انگار هرچی حقیقت هست، پیش امثال شماهاست، این یعنی سر مردم رو شیره مالیدن!!!! آیا شما فکر می‌کنید که توانایی هدایت مردم را دارید؟ من جوان می‌گویم این یک توهم است ... حالا هر جور دوست دارید جواب بدید؟

متن پاسخ

باسمه‌تعالی: سلام‌علیکم: نمی‌دانم چه شده که تا این حدّ از دست بنده عصبانی هستید؟ آدم حسابی! مگر ما حرف‌های خودمان را می‌زنیم که روزی متوجه شویم بالکل مقابل دین واقعی بوده؟ همه‌ی تلاش بنده آن است که به عنوان یک معلم معارف اسلامی نگاه عزیزان را متوجه دین اسلام بگردانم تا هرچه بیشتر سر و کارشان با شریعت الهی و احکام پروردگارشان باشد و سعی می‌کنم عقل مخاطبان خود را مورد خطاب قرار دهم نه احساساتشان را، تا خودشان توان تفکر در دین را پیدا کنند. تعجب می‌کنم که عنایت نمی‌کنید امر به معروف و نهی از منکر واجب شرعی است و چه امر به معروفی بهتر از آن که افراد را متوجه معروف الهی کنیم و چه نهی از منکری بهتر از آن که جوانان را متوجه ظلمات فرهنگ غربی نماییم. مگر بحث ولایت مطرح است که می‌گویید بنده بر کسی ولایت ندارم که بخواهم

تربیت افراد را به عهده گیرم؟! بنده معلمی هستم که وظیفه‌ی شرعی‌ام اقتضا می‌کند که متذکر دین الهی باشم تا انسان‌ها خودشان انتخاب کنند. باور کنید اگر احساس وظیفه نمی‌کردم بسیار راحت‌تر بودم که به مطالعات شخصی خود بپردازم و به عباداتم مشغول شوم که بحمدالله خداوند شوق انجام آن را در من قرار داده. چقدر خوب بود که می‌فرمودید مثلاً کدام قسمت از کدام کتاب مخالف نظر عالمان دین یا مخالف متن آیات و روایات است، تا بنده خود را تصحیح می‌کردم. می‌گویید اشکال کار این است که نمی‌گذاریم با ما بحث شود. چطور نمی‌گذارم؟! بفرمایید این گوی و این میدان. از طریق همین سایت هر اشکالی دارید بفرمایید، هم بنده استفاده می‌کنم و هم کاربران عزیز. ولی اجازه دهید کار به مرء نکشد زیرا در آن برکتی نیست. با این‌که بنده هرگز اقدام به چاپ هیچ‌کدام از کتاب‌ها نکرده‌ام با این‌همه امیدوارم این نسل از طریق آثاری که از بنده - به لطف الهی- به‌جا مانده، راهشان به سوی افکار عالمانی مثل حضرت امام و علامه طباطبایی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم» گشوده شود و از آن طریق بتوانند مستقیماً با آیات و روایات ائمه «علیهم‌السلام» مأنوس گردند. اخوی! این رسمش نبود که با ما این‌جوری رفتار کنی!! موفق باشید